



سه شنبه  
۳ خرداد ۱۳۹۰  
شماره ۳  
هفته نامه فرهنگ، خبری  
مدرسه دانشجویی قرآن و عترت  
دانشگاه تهران

## میلاد بانوی دو عالم حضرت صدیقه طاهره مبارک باد.

## امام خمینی: خرمشهر را خدا آزاد کرد.

### در شماره بعد بخوانید

واحد آموزش مدرسه دانشجویی قرآن و عترت از سال ۸۴ تا امروز در حال فعالیت است. هر آموزشی طبیعتاً هدف به خصوصی را دنبال می کند و به-جاست که بهرسم هدف واحد آموزش مدرسه دانشجویی چیست؟

### به نام سلام

## باریک تر از م

یک کاغذ پشت و رو و این همه فعالیت با چنین وسعت و تنوعی؟ الحق جا نمی شود. ما و این همه آدم قوی با این همه توانایی و پشتکار؟ حقیقتاً از عهده خارج است. هزار نکته هست که باید در نظر گرفت و این همه تنوع که باید پوشش داد؛ مگر می شود؟ ... مگر می شود با دست

هستند نسبتاً می شناختیم. ما می دانیم که کار چندان از دستان بر نمی آید، اما می خواهیم هر کاری که می-توانیم انجام دهیم، هر کاری که می توانیم. در نتیجه آماده ایم که هر انتقاد کوبنده ای را بشنویم، هر ضربه مهلکی را به جان بخریم، هر نوع اصلاحاتی را که مسؤولین صلاح بدانند انجام دهیم و زیر هر لودر و بولدیزری برویم. در این میان، چیزی که از ما باریک تر است گردن ماست. ما آمده ایم که گردنمان از ما باریک تر باشد.

خالی کاشف توانگران بود؟ مگر می شود بی عده و عده باری به این سنگینی برداشت؟ ما حتی نمی توانیم به پیشنهادهای مفید آن طور که باید و شاید ترتیب اثر دهیم یا پاسخگوی انتقادات سازنده باشیم. اما هیچکدام از اینها چیزی نیست که ما امروز فهمیده باشیم، همه را از ابتدا می دانستیم و شروع کردیم. میزان توان و امکان خود را می دانستیم، نسبت به شرایط تقریباً آگاهی داشتیم، افراد و وقایعی را هم که موضوع اخبار ما

ربیع زاده می خواهیم که کار علمی شان را ارائه دهند. خیالمان را راحت می کنند با اِپسِلون اثری از کلاس علمی شبیه ها! برخلاف تصور مبنی بر طولانی تر شدن بحث و ارائه علمی سوره انشراح، در ادامه جلسه، متون سوره توسط خوشه چینان محترم خوانده شده و توسط حضار نقد و بررسی می گردد. سپس نوای دعای مشلول به عنوان دعایی مرتبط با مضمون و غرض سوره انشراح در قالب نماهنگ، به همراه یک کلیپ پخش می شود. در پایان نشست هم دعایی از صحیفه علویه حضرت علی (علیه السلام) توسط آقای اخوت خوانده می شود.

### آیات له علیه السلام فی الشّدائد

و کَم لَّهٗ مِنْ لَطْفٍ خَفِیٍّ | یَدْفِی خَفَاةً عَنْ فَهْمِ الرِّکْیٰ | اِذَا ضَاقَتْ بِکَ الْاَحْوَالُ یَوْمَا فَتَقِ بِالْوَاحِدِ الْفَرْدِ الْعَلِیِّ  
تَوْسَّلْ بِالنَّبِیِّ فَکُلَّ خَطْبٍ | یَهْوِنُ اِذَا تَوْسَّلَ بِالنَّبِیِّ | وَ لَا تَجْزِعْ اِذَا مَا نَابَ خَطْبٌ | فَکَم لَّهٗ مِنْ لَطْفٍ خَفِیٍّ  
و صَلَّی اللّٰهُ رَبِّیْ کُلِّ حِینٍ | عَلِی الْهَادِی النَّبِیُّ الْاَبْطَحِ | عَلِی الْهَادِی النَّبِیُّ الْاَبْطَحِ | صَحِیفَه عَلَوِیَه | مَتْنِ عَرَبِی ۲۷۸

با خودم فکر می کنم قرار بر این بود که با پایان ارائه علمی، کارهای ادبی حضار در جلسه بعدی ارائه شود. اما با خواندن متون سوره انشراح و انتخاب سوره تین برای جلسه آینده، پی به تغییر روند نشست ها می برم. شاید نقطه ای نگاه کردن به دو نشست اخیر کار عاقلانه ای نباشد. باید دید روند این نشست ها به چه سویی پیش خواهد رفت و جلسات در ادامه، به منظور مورد نظر نزدیک خواهد شد یا خیر. امید است که به یاری خداوند منان بتوانیم در خدمت قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت باشیم.

است این دوره ماهیگیری یادمان بدهد. حال این که چرا به جای روش های حمد یک از حمد سه شروع کرده اند خود از عجایب روزگار است که عقول در فهم حکمتش به عجز در آمده اند.

البته این را هم بگویم که روشمند کار کردن سوره های قرآن فقط شرط لازم است برای فهم آن. شرط کافی و حتی شاید تنها شرط لازم و کافی برای فهم قرآن عمل کردن به دستورات نورانی آن است. پس هر کس مرد عمل است بسم الله. هنوز زیر میز استاد جا هست برای نشست!

سه را ببندد یا از جهت شکل کلاس که افراد به صورت mp۳ و حتی mp۴ کنار هم نشسته اند، و بعضاً تا کنار پایه های میز استاد هم پیشروی کرده کم مانده کرسی استادی را هم تسخیر کنند؟!

همین فشردگی مضاعف باعث شده یک پای ثابت کلاس های آقای اخوت یعنی سؤال های مکرر و باریط و بعضاً بی ربط (!) بچه ها مجال طرح نیابد و پاسخ تمام سؤالات بدون واسطه به خود سوره ارجاع داده شود! ( و البته چی بهتر از این؟! )  
الویت این دوره فشرده (!) روشمند کار کردن است تا سوره کار کردن. به جای باز شدن و شرح و تفصیل یک سوره، روش کار کردن سوره است که باید باز شود. در واقع قرار

## از سه تایک!

استادیوم آزادی؟

نمایشگاه کتاب؟

راهپیمایی بیست و دو بهمن؟

نه بابا! اینجادره فشرده مروری بر حمدهای یک تا سه است! و این که گفته اند فشرده معلوم نیست از باب محتوای کلاس است که قرار است در دوازده جلسه پرونده حمدهای یک تا

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿٨﴾

## در ساحت سوره

قرار بود این هفته متن‌های سوره مبارکه ضحی در نشست خوشه‌چینان مطرح گردد و جلسه آینده به سوره انشراح پرداخته شود. ما هم سوره‌نگاه و متن سوره مبارکه انشراح را برای این شماره کاشف نگه داشته بودیم. در نشست اخیر موضوع دو سوره مبارکه ضحی و انشراح و متن‌های مرتبط با آنها به پایان رسید و جلسه آینده به سوره مبارکه تین اختصاص خواهد داشت. اما حیف بود که متن و نگاه به سوره انشراح منتشر نشود. به هر حال این شماره را به این سوره متبرک کردیم:

سوره‌نگاه سوره انشراح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾

سوره انشراح گویا با دغدغه پیامبر ﷺ آغاز می‌شود. پیامبر می‌داند که نیاز انسان‌ها به اوست و اگر کسی طلبش را نزد او بیاورد پرش می‌کند. اما آدم‌ها نیازشان به پیامبر را نمی‌دانند. بالاترین کسی که فهمیده پاسخ همه نیاز او پیامبر است امیرالمؤمنین است. این که بقیه این را نمی‌دانند برای پیامبری که به ازای ایمان نیاوردن تک تک آدم‌ها «بخوع» دارد غصه ایجاد می‌کند، سینه‌اش تنگ می‌شود و این سینه شرح می‌خواهد. آنگاه خداوند می‌گوید: آیا ما به سینه تو شرح ندادیم؟! این باری که داشت کمر تو را می شکست برنداشتیم؟!

اتفاقی افتاد که در بین مردم اسم پیامبر ﷺ جلوه کند و توجه مردم به آن حضرت جلب شود. «ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولكن رسول الله و خاتم النبیین». اسمش را بالا برده‌اند که برای آدم‌ها جلب توجه کند. چون اساسا قرار بوده آدم‌ها ببینند که به او نیاز دارند. یعنی این فرد با بقیه فرق دارد. او «بشر مثلکم» است که «یوحی الیه» شده است. او آنی از وحی جدا نمی‌شود. فکر و ذکر و خوابش وحی است. این که امام صادق می فرمایند نمک سفره‌تان را هم از ما بخواهید، به خاطر این است که آدم بفهمد همه طلب‌هایش به خاطر طلب نسبت به امام است چون اصل این‌ها نزد امام حاضر است.

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾

لذا پیامبر ﷺ شرح صدر می‌خواهد. می‌خواهد بارش برداشته شود. رفعت ذکر می‌خواهد. و این مسیر سخت است که تو بدانی نیاز آدم‌ها به چیزی است که کنار دستشان است و به همان توجه نمی‌کنند و همین باعث هلاکشان است و تو می‌دانی و بعد احساس دین می‌کنی که می‌دانی. اگر هم به آنها بگویی می‌گویند دیوانه و ساحر و شاعر است. به همان اندازه که این حقیقت سخت است جریان یسر خدا وجود دارد. به ازای هر سختی دو آسانی وجود دارد. چون «عسر» معرفه است یکی است و چون «یسر» نکره است دوتاست. به نسبت سختی-ای که اتفاق می‌افتد یسر صورت می‌گیرد. یک بشریت درست می‌شود. اگرچه وقتی شما به شدائدی می‌نگری که بر پیامبر ﷺ می‌رود عسر می‌بینی ولی به سمتی حرکت می‌کنی که کل بشریت جامعه ایده‌آل بشوند. یعنی چیزی که به‌دست می‌آید خیلی عظیم است.

مردم نیازمند حقیقتی هستند که نزد پیامبر ﷺ است. ولی به او توجه ندارند. در صورتی که اگر به در خانه پیامبر بروند امکان ندارد دست خالی برگردند. اما چون آنها نمی‌روند، پیامبر به سمتشان می‌رود، «و اما بنعمه ربک فحدث». این غفلت در پیامبر یک تنگی ایجاد می‌کند، این تنگی با شرح صدر و رفعت ذکر پیدا کردن، به آسانی می‌رسد. ولی قاعده مسیر این است که تلاش پی در پی با جهت گیری «الی ربک» می‌خواهد. «فاذا فرغت فانصب» تلاش پی در پی است، «و الی ربک فارغب» جهت این تلاش. لذا در این مسیر، پیامبر ﷺ لحظه‌ای دست از تلاش برنمی‌دارد و لحظه‌ای هم جهتش تغییر نمی‌کند، برنامه پشت برنامه. تا آخر عالم این‌گونه است. امام زمان هم دائم برنامه اجرا می‌کند. نمی‌تواند بی-کار بنشیند. تجلی «کل یوم هو فی شأن» است. امام زمان می‌داند که همه به او نیازمندند ولی مردم این را نمی‌دانند. چون در خانه او نمی‌آیند این اوست که خود را به در خانه مردم می‌رساند. خدا به او شرح صدر و رفعت ذکر می‌دهد. دائم کار می‌کند تا مردم سراغش بیایند.

نکته مهم: اگر پیامبر بخواهد «فاذا فرغت فانصب» ش تا قیامت ادامه پیدا کند باید چه کند؟ باید جانشین بگذارد. این نکته، مسأله ولایت را ثابت می‌کند. پیامبری که «فاذا فرغت فانصب» است مگر می‌شود بعد از خودش سیستمی مثل خودش نگذاشته باشد؟ حالا این سیستم چگونه است؟ «والضحی و اللیل اذا سجدی». جانشین پیامبر ﷺ کسی است که سوره ضحی در مورد او صادق باشد. یعنی امیرالمؤمنین، یعنی تنها کسی که فهمیده تمام نیازش پیامبر ﷺ است.

## تو را رها نکرده است ...

خدا فقیران درگاهش را رها نمی‌کند آنان که آخرت را بهتر از دنیا می‌دانند آنان که خدا را می‌خواهند و رضایتش را و آنان که داستان هدایت خدایشان را برای همه نیازمندان می‌گویند.

خدا آسان می‌کند کار آنانی را که در دو راهی انتخاب، آخرت را بر می‌گزینند و تک تک سختی‌های مسیر را با شوق رسیدن به خدا، می‌گذرانند گویی از آنان اند که خدا بار سنگینشان را از دوشان برداشته است.

رسیدن به خدا آسان است. باید پله‌های این راه رو به خدا را طی کرد و با گذر از هر پله، برای گذر از پله بعد با رغبتی تمام سوی خدا را گرفت.

گویی برای همین بود خداوند سینه رسول را شرح داد، بار سنگین رسالتش را از دوشش برداشت و یادش را در همه چیز رفعت بخشید.

روشنایی خورشید، تاریکی شب قسم خوردنی است وقتی که خداوند آخرین فرستاده اش را رها نکرده است!

خدا می‌داند در دل رسولش چه می‌گذرد: از درد یتیمان امت و یا تک تک کسانی که راه را گم کرده اند و هم آن‌هایی که فقر، زندگی را برایشان سخت کرده است.

به یقین با هر سختی آسانی است وقتی که کسی همچون رسول، خدایی بزرگ داشته باشد و خدایش او را رها نکرده باشد!